

یک عاشقانه نامتعارف

فیلم
روز
 خبرنگار
هومن حاتمى

اگر ژرمی کلپین «بدنم را گم کردم» را در سالی غیر از ۲۰۰۹ اکران می‌کرد شاید می‌توانست فیلم خود را به مهم‌ترین انیمیشن سال تبدیل کند. اما حضور «داستان اسباب‌بازی ۴» مثل دیگر قسمت‌های این محصول پرطرفدار پیکسار باعث شد دیگر فیلم‌های انیمیشن تولید

شده در کمپانی‌های کوچک‌تر در حاشیه قرار بگیرند و تا جایی که حق‌شان است قدر نینینند. «بدنم را گم کردم» هم یکی از همین انیمیشن‌ها بود که البته بیشتر از بقیه توانست به چشم بیاید و علاوه بر کسب جایزه‌ای در یکی از بخش‌های فرعی جشنواره کن تا نامزدی اسکار بهترین انیمیشن سال هم پیش برود؛ اسکاری که در نهایت پیکسار آن را به خانه برد. ژرمی

کلپین برای ساخت این انیمیشن که اولین فیلم بلندش محسوب می‌شود ۷ سال زمان گذاشته و قصه آن را از کتابی با عنوان «دست خوشحال» اقتباس کرده است؛ یک قصه عاشقانه عجیب و غریب درباره دستی که صاحبش را گم کرده و حالا باید در شهری شلوغ و آشفته ردی از او پیدا کند. فیلم با فلاش‌بک‌هایی که هر چند دقیقه یک بار تکرار می‌شوند به طور موازی

قصه صاحب دست که پسر ی جوان است را هم تعریف می‌کند و ما را در جریان افت و خیزهای زندگی‌اش قرار می‌دهد. از عقده‌ها و سرخورگی‌های دوران کودکی‌اش گرفته تا حسرت‌ها و ناگامی‌هایی که در سال‌های بعد گریبانگیرش شده است. مهم‌ترین‌شان هم رابطه او با دختری جذاب و سرزنده است بامی می‌روند که یک چور خلوت‌گاه دنج برای پسر است و قرار است

دل او دست به کارهای احمقانه‌ای می‌زند. فیلم چند سکانس تماشایی مثل اولین آشنایی پسر و دختر جوان دارد که تأثیرگذار از کار درآمده‌اند؛ سکانسی که در آن یکی از شخصیت‌ها حضور فیزیکی دارد و دیگری با صدایش به روند حسّی صحنه جان می‌دهد. یا سکانسی که دختر و پسر برای اولین بار به پشت بامی می‌روند که یک چور خلوت‌گاه دنج برای پسر است و قرار است

به محل قرارهای عاشقانه آن دو تبدیل شود.

«بدنم را گم کردم» محصول کشور فرانسه است و شرکت نت‌فلیکس بعد از پایان فیلمبرداری حق پخش آن را خریداری کرده و نسخه دوبله انگلیسی‌اش را روی سامانه خود قرار داده است؛ نسخه‌ای که طبق آمارها در شبکه نمایش خانگی بیشتر از سالن‌های سینما با استقبال مواجه شده است.



- بدنم را گم کردم
- کارگردان: ژرمی کلپین
- تهیه‌کننده: مارک دو پوشتاویک
- صدایشان: حکیم فارس، ویکتور دوبوا، پاتریک دوسومسانو
- آهنگساز: دان لیوی
- محصول: ۲۰۱۹، فرانسه

مدیرکل جدید مرکز هنرهای نمایشی خبر داد

پرداخت مطالبات هنرمندان تئاتر تاردبیهشت

خبر روز

اسفند ماه گذشته با شیوع ویروس کرونا درکشور و جدی شدن این ماجرا طبق اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تمامی اجراهای صحنه ای وسالن های نمایش تعطیل شد واین موضوع به اتفاق غم انگیزی برای هنرمندان کشورمان تبدیل شد. هنرمندان تئاتر وسالن های خصوصی هم جدا از این ماجرا نبودند و به لحاظ مالی بسیار آسیب دیدند. همین امر سبب شد مدیران تماشخانه‌های تئاتر برای درخواست حمایت دیداری با شهرام کرمی مدیرکل اسبق هنرهای نمایشی داشته باشند. اما خبر استعفاى مدیرکل ، دغدغه این هنرمندان را دوچندان کرد. گرچه کرمی گفته بود نباید استعفاپیش به معنای فرار کردن از زیر بار مسئولیت تلقی شود اما این دلنگرانی همچنان وجود داشت و مسائل مالی کماکان به قوت خود باقی مانده بود. تا آنکه دراواخراسفند ماه و در تلاطم اخبار مختلف و نگران کننده، با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قادر آشنا به عنوان مدیر کل هنرهای نمایشی انتخاب شد و سکان این مجموعه را بدست گرفت تا چشم و امید هنرمندان تئاتر به دریافت مطالباتشان به مدیر جدید باشد. قادر آشنا در تازه ترین گفت و گوی خود نویدی خوش برای این هنرمندان داده و به گفته خودش قرار است بخشی از عمده مطالبات هنرمندان تئاتر را به زودی پرداخت کند. مدیرکل جدید هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از برگزاری جلسه معارفه رسمی خود، درباره وضعیت پرداخت مطالبات هنرمندان تئاتر در سال ۹۸ به مهر گفت: تلاش بر این است که بخش عمده مطالبات هنرمندان تئاتر در سال ۹۸ در ایام باقیمانده فروردین و نهایتاً تا پایان اردیبهشت‌ماه سال جاری پرداخت شود. البته در این باره هم وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و هم معاون هنری ایشان قول مساعد داده‌اند تا به زودی عمده مطالبات هنرمندان تئاتر پرداخت شود. قادر آشنا در ادامه درباره حمایت‌های مالی اداره کل هنرهای نمایشی از گروه‌ها و تماشاخانه‌های تئاتری که به دلیل تعطیلی‌های پیش آمده برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا متضرر شده‌اند، هم توضیح داد: دولت روی شغل‌هایی که از شیوع ویروس کرونا آسیب دیده‌اند متمرکز شده و بودجه‌ای را برای آن در نظر گرفته است. به تبع در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت هنری و اداره کل هنر های نمایشی هم برنامه‌ریزی لازم در دست انجام است تا بخشی از این بودجه برای بخش‌های مختلف هنر، از جمله در تئاتر برای حمایت از گروه‌ها و تماشاخانه تئاتری متضرر شده، اختصاص پیدا کند. مدیرکل جدید هنرهای نمایشی در پایان سخنان خود درباره برنامه‌ریزی برای انتخاب و معرفی دبیر سی و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، تصریح کرد: جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اعتبار تئاتر ایران است که در سطح جهانی شناخته شده است. قطعاً یکی از موضوعات مهمی که به آن پرداخته می‌شود، انتخاب و معرفی دبیر دوره جدید جشنواره است که این روند را با دقت آغاز کرده و جلو می‌بریم.

حاتمی کیا برای نمایش فیلمش در روزهای کرونا پیشگام شد

«خروج» آنلاین

خبر آخر

با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی سالن‌های سینما، اقبال به عرضه آثار نمایشی در بازار VOD بیشتر شده است. در روزهای اخیر بسیاری از فعالان عرصه سینما از لزوم ورود آثار سینمایی به شبکه نمایش خانگی پیش از اکران عمومی برای جلوگیری از انباشت صف اکران در روزهای پساکرونا سخن گفتند. مصادیق پیشنهادهای مطرح شده دراین خصوص البته در باره فیلم‌هایی بود که در سال‌های گذشته فرصت اکران نیافته‌اند یا به خاطر تعطیل شدن سینماها اکران شان نیمه تمام

ماند و یا در نهایت فیلم‌هایی است که طبق پیش‌بینی‌ها موفقیت چندانی در جذب مخاطب در سالن‌های سینما نخواهند داشت. در شرایطی که برخی منتظر پیشقدم شدن صاحبان این دست فیلم‌ها بودند سازمان اوج در تصمیمی غیرمنتظره از عرضه جدیدترین ساخته ابراهیم حاتمى کیا در شبکه نمایش خانگی خبر داد. روز گذشته روابط عمومی این سازمان عرضه فیلم سینمایی



«خروج» طی روزهای آتی در سامانه فیلمبو و نماوا به صورت آنلاین را اعلام کرد. با توجه به شیوع ویروس کرونا و حضور طولانی مدت مردم در خانه‌ها در چند ماه گذشته و اتی، طبق آنچه در کانال این فیلم منتشر شده است این فیلم ازاولین هفته آینده در سامانه‌های نمایش آنلاین قرار خواهد گرفت و مخاطبان می‌توانند با خرید قانونی یا خانواده به تماشای این فیلم سینمایی در فیلمبو و نماوا بنشینند. با «خروج» برای اولین بار یک فیلم سینمایی ابتدا پخش آنلاین مجازی و سپس اکران در سینماها را خواهد داشت. «خروج» بیستمین فیلم ابراهیم حاتمى کیا در مقام کارگردان در سینمای ایران است و برای اولین بار در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد.

آلبوم

نداسیجانی
 خبرنگار

حکایت عاشق شدن پادشاه برکنیزک از داستان‌های خواندنی و مشهور مولانا جلال الدین بلخی است که در دفتر اول مثنوی معنوی آمده است. دراین سروده عرفانی پادشاه و حکیم در کشتن زرگر بی گناه، گرهی حل نشده می افتد و ناگزیر برای تأویل آن به تمثیل و استناد برآیات و روایات روی می‌آورند. آلبوم

«شمس جان» به آهنگسازی عماد توحیدی به حکایت «پادشاه و کنیزک» اشاره دارد که خوانندگی عبد داوود آزاد و شعرخوانی‌اش را عیدالجبار کاکایی انجام داده است. داوود آزاد از جمله خوانندگانی است که علاقه زیادی به مولانا دارد و طی سال‌ها فعالیت تجربه بسیاری در خواندن اشعار عرفانی داشته است. عماد توحیدی خالق این اثر و نوازنده دف نیز از جمله آهنگسازانی است که علاقه خاصی به اشعاراین شاعر بزرگ دارد. به

گفته او «دلیل اختصاص حکایت اول دفتر نخست مثنوی معنوی حکایت «پادشاه و کنیزک» این بوده که از این حکایت نظر مولانا دارای ویژگی‌هایی قابل تأمل بوده و می‌توانسته بر پیشانی‌اش اهالی ادبیات و عرفان ایرانی هم توجهی ویژه به آن داشته‌اند و تفاسیر متعددی از آن ارائه کرده اند.

نسخه مورد استفاده دراین آلبوم نسخه قونیه بوده که از معتبرترین نسخ مثنوی است.»



- شمس جان
- آهنگساز:عماد توحیدی
- خواننده: داوود آزاد
- ناشر: حوزه هنری
- سال انتشار: ۱۳۹۸

گفت‌وگو

ترکس عاشوری
 خبرنگار

خبر درگذشت کیومرث درم‌بخش در فرانسه

دوازدهم فروردین‌ماه در رسانه‌های خبری

منتشر شد. خیلی‌ها مرگ او بر اثر کرونا را

شایعه‌پرانی‌های متناسب این ایام تلقی کردند

اما برادرش کامبیز درم‌بخش با انتشار پستی

در اینستاگرام خبر درگذشت این کارگردان،

نویسنده و عکاس را تأیید کرد. خبر درگذشت

کیومرث درم‌بخش بار دیگر نام او را بر سر زبان‌ها

انداخت و علاقمندان جدی سینما در فضای

مجازی از علاقه او به هویت فرهنگی و تاریخی

ایران، از مستندهایش چون «جرس»، «بوف

کورد»، «سنگ افراشت‌ها»، «باغ‌های مقدس

سنگی» «سنگ نگاره‌های جادویی»، «کسوف»،

«شب» و... و عکاسی فیلم‌هایی چون «تنگسیر»

و «گون‌ها» نوشتند. با کامبیز درم‌بخش در باره

خاستگاه علاقمندی‌های برادرش به فرهنگ

ایران و همچنین دلیل دوری‌اش از فعالیت‌های

فرهنگی صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

■ علاقمندی کیومرث درم‌بخش به عکاسی و

مستندسازی از کجا می‌آمد؟

من از سالگی در مطبوعات کار می‌کردم.

کیومرث ۱۱ سال داشت که او را به مجله روشنفکر

بردم. در همان ایام پدرم برایش دوربین عکاسی

خریده بود. پدر در حوزه سینما و تئاتر فعالیت

داشت و در واقع مسبب تمام این علاقمندی‌ها

به فرهنگ و هنر خود او بود. کیومرث را نزد آقای

انوش‌فر که در لاله‌زار مغازه عکاسی داشت برد و

اصول ابتدایی عکاسی را از او یاد گرفت. از همان

زمان کیومرث هر روز با من به مجله روشنفکر

در خیابان شمس‌العماره سابق می‌آمد. یک

ساختمان قدیمی که ارتفاع پله‌هایش آنقدر

زیاد بود که او به سختی پله‌ها را بالا و پایین

می‌آمد. با همان سن کم شروع به عکاسی کرد.

۱۳-۱۴ ساله بود که زلزله بویین رهرا آمد. تختی

قهرمان کشتی ایران برای جمع‌آوری کمک‌های

مردمی آستین بالا زده بود و کیومرث برای تهیه

گزارش به آنجا رفت و اولین مصاحبه‌اش را با

تختی انجام داد. آن روزها عکس‌هایش عکس

جلد مجلاتی چون فردوسی و سپید و سیاه و

روشنفکر بود و به تدریج دعوت برای همکاری

برای عکاسی پروژه‌های سینمایی هم اضافه شد.

علاوه بر عکاسی و خبرنگاری «لی‌اوت» مجلات

و روزنامه‌ها را هم طراحی می‌کرد. برخی اوقات

تا ۶ عصر مشغول همین کار بود. آن روزها

همه نویسنده‌های نشریات مثل شاملو، نصرت

رحمانی و فریدون مشیری در یک اتاق کنار هم

کار می‌کردند و در مجله سپید و سیاه یا روشنفکر

و فردوسی در رفت و آمد بودند. ما هم بین

آنها بزرگ شدیم در واقع شخصیت فرهنگی

کیومرث در چنین فضایی پایه‌گذاری شد.

■ بعد از تحصیل در فرانسه بود که به صورت

متمرکز به فعالیت در حوزه فیلمسازی علاقمند

شدند؟

قبل از رفتن به فرانسه هم مستند می‌ساخت.

۱۸ ساله بود که در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های

آسیایی که یک دوره‌اش در ایران برگزار شد

جایزه اول بهترین مستند کوتاه آسیا را برای فیلم

کامبیز درم‌بخش:



همايون افشار

یکی از آثار قابل توجه کیومرث درم‌بخش مجموعه‌ای است که با تأثیر از سفرنامه و آثار اوژن فلاندن ساخت.

نقاش فرانسوی قرن نوزدهم که در زمان قاجار به ایران آمد و آن طور که کیومرث می‌گفت در سفرنامه‌اش گفته

که ایرانیان بنیانگذار معماری جهان هستند. او این مستند را برای تلویزیون ساخت اما صد اوسیمادر ساعت پس از نیمه شب و زمانی نمایش داد که هیچکس آن را ندید

کیومرث آن موقع فقط ۲۴ سال داشت. پس از آن برای دیگر چهره‌های فرهنگی از جمله نیما یوشیج (دنیا‌خانه من است) و ویا در باره همکاری داشت. چون در مدرسه فرانسوی زبان سن لویی درس خوانده بود برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و عکاسی و فیلمسازی را به صورت همزمان آموزش دید. در مجموع سه سال از عمرش را در پاریس گذراند. در فرانسه بیشتر عکاسی می‌کرد اما پس از بازگشت به ایران عمده فعالیتش بر فیلمسازی متمرکز شد. فیلم «بوف کور» و مستند «سفر بهاری» را درباره صادق هدایت ساخت. برای «بوف‌کور» با پرویز فنی‌زاده کار کرد؛ در روزهایی که با سربال معروف دایی جان ناپلئون مطرح شده بود. تیتراژ فیلم را هم من ساختم. «بوف‌کور» فیلم موفقیتی بود و استقبال از فیلم در خیابان تخت جمشید و سینما پارامونت قابل توجه بود.

این موضوعات علاقه داشت و دغدغه‌اش بود. یکی از آثار قابل توجه او مجموعه‌ای است که با تأثیر از سفرنامه و آثار اوژن فلاندن ساخت. نقاش فرانسوی قرن نوزدهم که در زمان قاجار به ایران آمد و آن طور که کیومرث می‌گفت در سفرنامه‌اش گفته که ایرانیان بنیانگذار معماری جهان هستند. او این مستند را برای تلویزیون ساخت اما صد اوسیمادر ساعت پس از نیمه شب و زمانی نمایش داد که هیچکس آن را ندید.

■ او از جمله چهره‌هایی است که دوربینش را در راه شناساندن فرهنگ‌ها و در زمینه‌های مردم‌شناسی، نژادشناسی، جامعه‌شناسی کودکان، محیط زیست و میراث فرهنگی ایران به خدمت گرفت اما چطور شد که مهاجرت را به فعالیت در ایران ترجیح داد؟

در یک دوره هیچ کاری به ایشان پیشنهاد نشد. چندین سالی بیکار بود و همین غصه خوردن‌ها باعث بیماری‌اش شد. افسرده شده بود. آن روزها به ندرت کارهای تبلیغاتی می‌کرد اما کاری نبود که دلش می‌خواست انجام دهد، در نهایت تصمیم گرفت به فرانسه برگردد و عکاسی کند. در آن ایام مستند «WARNING» را از زووی طرح‌های من درباره محیط زیست ساخت که از تلویزیون فرانسه و ایران بارها به نمایش در آمد؛ یک فیلم ۱۰ دقیقه‌ای که جایزه‌های مختلف برد. در فرانسه مشغول کار بود اما باز هم دلش برای ایران تنگ شد و به این امید که در کشورش کار کند، به ایران بازگشت

و متأسفانه نتوانست کاری انجام بدهد. لوازم کار من قلم و کاغذ و مداد رنگی اساخت اما فیلم ساختن هزینه می‌خواست. کلی ایده و سناریو داشت و هیچ نهاد و ارگانی از او حمایت نکرد.

این که نمی‌توانست کار کند او را خیلی افسرده کرد تا این که با این بیماری به فرانسه بازگشت. در تمام این دوران همسرش کنارش بود. برای مدت طولانی در بیمارستان بستری بود اما چون پزشکان گفتند که دیگر کاری نمی‌توان کرد به خانه سالمندان منتقل شد و با ابتلا به بیماری کرد درگذشت.

■ مراسم خاکسپاری در فرانسه انجام شد؟

فردای همان روز به خاک سپرده شد. به دلیل محدودیت رفت و آمد در فرانسه، همسر و پسرش در مراسمی کوتاه آن هم با فاصله شایعشت کردند.

■ احتمالاً بعد از ایام کرونا خانه سینما و نهادهای سینمایی مراسم یادبودی برای ایشان تدارک خواهند دید.

بله، ولی برای خود کیومرث بی فایده است. هنرمندان تا زمانی که زنده هستند کسی از آنها یاد ی نمی‌کند، با هزاران مشکل دست به گریبان هستند و کسی از آن‌ها خبر ندارد و اگر خبر دارد کمکی نمی‌کند اما بعد از مرگ همه به نیکی از او یاد می‌کنند. یک هنرمند زنده است به این که کار کند. بعد از انتشار خبر درگذشت کیومرث بالغ بر بیست هزار پیام تسلیت و ابراز تأسف در یافت کردم از آدم‌هایی که هیچ وقت از او سراغی نگرفتند حتی نهادهایی که با او همکاری داشتند از صد اوسیمادر گرفته تا انجمن مستندسازان و خانه سینما. کاش در ایام حیات او کاری می‌کردیم که به دردت بخورد.

مستندهای آوینی به روایت استاد دانشگاه سوربن

یگانه‌خدای
 خبرنگار

مرتضی آوینی را با لقب باهوش‌های قلم می‌شناسیم. کسی که مستندها و روایت‌هایش از دوران امام قدس همچنان یکی از مهمترین اسناد این دوران است. به تازگی کتابی به نام «روایت جنگ در دل جنگ» منتشر شده که نگاهی به مستندهای این شهید دارد و جالب اینجاست که نویسنده آن انیس دووکتوراستاد دانشگاه سوربن است. دووکتور کتاب

تصاویر رزمندگان و شهدای جنگ تحمیلی در سینما را نوشته و«روایت جنگ در دل جنگ» بخش‌هایی از این کتاب است که توسط نویسنده برای چاپ در ایران انتخاب شده است. انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران (ایفری) سفارش ترجمه این کتاب را داد و سرانجام درماه‌های پایانی سال گذشته در قالب کتاب جنگی به نگاهی به مستندهای این بیستم فروردین ۹۹ (سارلوز شهادت شهید سیدمرتضی آوینی - روز هنر انقلاب اسلامی) ارائه شود. کتاب

«روایت جنگ در دل جنگ» در چهار فصل «جنگ به روایت سینمای داستانی»، «انقلاب در نگاه چیز دیگری را دگرگونه فیلم گرفتن»، «فیلم‌های مردان آوینی از جبهه جنگ» (شامل ۳ بخش در باب روش‌شناسی، نگاه انسان‌شناسانه، بازتاب‌ها و تصاویر حذفی) و«در میان امر مرئی و امر نامرئی- مستند جنگی به مثابه مناسک عرفانی» (شامل ۴ بخش در باب تأثیرعرفان شیعی، ارجاعات عرفانی، تأویل سینمایی و...) نوشته شده است.



- روایت جنگ در دل جنگ
- نویسنده: انیس دووکتور
- مترجم: محمد مهدی شاکری
- نشر: و اوج